



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان با توفیق پروردگار متعال درباره جهاد بود مسئله جهاد بسیار مهم است اسلام در سیاست خود با توجه به موضوع جهاد باید در برابر دشمنان اسلام که بسیار کینه توز هستند و نقشه های فراوانی علیه نابودی اسلام و مسلمین دارند کادر سازی کند و در سیاست خود یک سازمان دهی بوجود بیاورد و یک جبهه ای بسازد تا مسلمانان بتوانند در برابر دشمنانی که به شکل های مختلف وجود داشته و بوجود خواهند آمد مقاومت کنند و قطعا جز جهاد هیچ راه دیگری وجود ندارد لذا مسلمین باید بسیار قوی و قدرتمند باشند تا بتوانند در مقابل دشمنان کینه توز اسلام را حفظ کنند و باعث سربلندی اسلام باشند و نمونه های فراوانی در کادر سازی و سازمان دهی در موضوع جهاد وجود دارد.

اولین گام این است که بایستی ترس از مرگ را از میان برداشت تا انسان ها مجاهد و مقاوم و مومن و شجاع بشوند چراکه ترس از مرگ انسان را ذلیل و ضعیف می کند و این از میان برداشتن ترس از مرگ خودش یک هنر و حماسه می باشد که ایمان و اعتقاد به خداوند و قران و فرهنگ اسلام مرگ را برداشت و شهادت و عشق به شهادت را بجایش گذاشت و یک جبهه ای تشکیل داد که عشق به جهاد و شهادت دارند و کسانی هستند که با آرامش روان و اطمینان و عشق و لذت و کامیابی و سعادت خودشان پا به میدان می گذارند که در این صورت یک نفر برابر با صد نفر و یا دویست نفر می شود که نمونه این را در جنگ ۲۲ روزه لبنان در مقابل اسرائیل دیدیم خلاصه در اینجا فرهنگ ما بسیار قوی می باشد و آیات و روایات فراوانی در این رابطه داریم.

امام رضوان الله علیه در این رابطه می فرمایند؛ نباید نگران باشیم از اینکه فدائی می دهیم این سیره انبیاء بوده چون

پیغمبران خدا راهشان همین است وقتی آنها قدم می گذاشتند به عرصه زندگی دو گروه در مقابل خودشان می دیدند یک گروه ظالمان و مستکبران و رفاه طلبان و یک گروه هم مستضعفان و محرومان و مظلومان پیغمبران خدا از همان مظلومان و محرومان و مستضعفان جبهه جهاد در برابر ظالمان و مستکبران بوجود می آوردند، (قران کریم می فرماید: ﴿كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ (۱۴۶) وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۱۴۷) ﴿۱﴾ و این اختصاص به اسلام ندارد چون بعضی از دشمنان ما می گویند اسلام با شمشیر پیش رفته درحالی که قران می گوید جهاد سیره تمام پیغمبران الهی می باشد و بدون جهاد نمی شود در مقابل دشمنان کینه توز موفق و پیروز بود، در تفسیر مجمع البیان چند قول برای "ربیون" ذکر کرده که اولین آنها این است که ربیون فقهاء می باشند) و این سیره انبیاء الهی بوده که این کار را می کردند انبیاء و اولیاء در مقابل ظلمه و در مقابل اشخاص ظالم قیام می کردند و کشته می شدند و کشتار می کردند جوانانشان را می دادند اصحابشان را می دادند این مسئله ای نیست که ما نگران آن باشیم، ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورها می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین است به سیطره و سلطه ظلم جهان خواران خاتمه می دهیم، ما در صدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیسم و سرمایه داری و کمونیسم در جهان هستیم ما تصمیم گرفته ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ نظام هائی که بر این پایه استوار شده همه را نابود کنیم و نظام اسلام و رسول الله صلی الله علیه و آله را ترویج نمائیم و ما هیچوقت نگرانی نداریم و اگر ملتی بخواهد خودش را از زیر بار ظلم و جنایات نجات بدهد باید خون بدهد یکی از این مادر شهداء ظاهرا در بهشت زهراء سلام الله علیها ایستاده و

۱ سوره آل عمران، آیه ۱۴۶ و ۱۴۷.

آیات مذکور در جریان بفر معونه نازل شده اند، در سال چهارم هجرت عده ای از نجد که نقطه ای در حجاز است نزد پیغمبر خدا آمدند و گفتند عده ای را به نجد بفرستید تا اسلام را برای مردم بیان کنند تا مردم مسلمان شوند، پیغمبر خدا ۴۰ نفر و بعضی نوشته اند ۷۰ نفر از اهل علم و طلاب را برای تبلیغ فرستادند و البته قبل از اینکه به آنجا برسند دشمن تمام آنها را به شهادت رساند پس اولین شهداء ما علماء بوده اند و این وقایع در جریان بفر معونه در منتهی الآمال نیز ذکر شده ولی این آیات ذکر نشده.

خوب و اما الان در برابر ما یک فرهنگ بسیار وسیعی متجلی می شود و آن فرهنگ جهاد و شهادت می باشد هنر اسلام و حماسه اسلام این است که ترس از مرگ را که باعث می شد اشخاص به میدان جنگ نروند تبدیل به شهادت و عشق به شهادت کرد و همین خیلی کارائی دارد زیرا تمام انبیاء و اولیاء عاشق شهادت بوده اند و در جلد ۲۷ بحار الانوار نیز بابی منعقد شده بنام: "باب أهم لا یوتون إلا بالشهادة" تمام ائمه علیهم السلام به شهادت کشته شده اند و در دعای اول صحیفه سجادیه نیز امام سجاد علیه السلام می فرمایند پروردگارا قسمت من کن تا با سیوف اعداء کشته بشوم و حضرت امیر علیه السلام نیز در آخر نامه اش به مالک اشتر می نویسد مالکا از خدا خواسته ام که مرگ من و تو با شهادت باشد، خلاصه اینکه اسلام مهندسی کرده و کادر سازی کرده تا اینکه جهاد به این شکل باشد تا اینکه مسلمانان قدرت پیدا کنند، سید الشهداء علیه السلام نیز در شب عاشوراء که در معرض شهادت است می فرماید: "أُنْبِي عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ النَّبَاءِ. وَأَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنَّبُوَّةِ، وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ؛ وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ" خلاصه اینکه اسلام و پیغمبر اسلام توانسته با جهاد و ایمان و اعتقاد فرهنگ سازی کند و ترس از مرگ را به شهادت و عشق به شهادت تبدیل کند.

بقیه بحث بماند برای بعد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

صحبت کرده که درخت آزادی محتاج به آبیاری است و خون پسر من یکی از این چیزهائی هست که آن را آبیاری می کند ما چنین شیر زنانی داریم و احتیاج دارد که فدائی بدهیم برای دین اسلام از صدر اسلام تا به حالا چه نفوس طیبه ای فدا شده اند (دفتر تبیان جلد ۱۱ صفحه ۴۸).

بحث فقهی دو جور است؛ یک نوع بحث فقهی خشک است و فقط احکام را بیان می کند اما نوع دیگر بحث فقهی با توجه به آثار و فرهنگ اسلامی می باشد، قرآن فقط نمی گوید جهاد واجب است و بروید جهاد کنید بلکه قرآن روحیه جهاد را به انسان ها می دهد و آنها را سرشار از طراوت و شجاعت و ایمان می کند و بعد به میدان جنگ می فرستد و همین انسان ها با این روحيات هستند که می روند و حماسه می آفرینند و در تاریخ اسلام نمونه این افراد بسیار زیاد هستند بنابراین بحث ما در این است که برای سازمان دهی امر جهاد کادر سازی و سازمان دهی مجاهدین شجاع لازم است و اولین پشتوانه آنها خدا باوری و معاد باوری و ولایت باوری می باشد.

آیات شریفه: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (۱۶۹) فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ<sup>۲</sup> (۱۷۰) در مورد علماء می باشد، در تفسیر ابوالفتوح رازی گفته شده که این آیه در مورد علماء نازل شده است، آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در مورد: "أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ" می فرماید بسیار کلمه پر معنایی می باشد، خوف نسبت به آینده و حزن نسبت به حال و گذشته گفته می شود یعنی کسانی که این راه را در پیش بگیرند در آینده هیچ خوفی ندارند چون هیچ خطر و خوفی آنها را تهدید نمی کند بلکه آینده آنها توأم با رستگاری و بهشت و پیشرفت می باشد و نسبت به گذشته نیز نباید غصه بخورند زیرا آنچه که سرمایه گذاری کرده اند از دست نداده اند.

<sup>۲</sup> سوره آل عمران، آیه ۱۶۹ و ۱۷۰.